

به نام عشق الهی .شب بخیر دوستان. امیدوارم روز خوبی رو سپری کرده باشید  
این جلسه می خوایم بپردازیم به اینکه چطور تو بازاری پر ریسک ، دووم بیاریم تا به درآمد برسیم  
دوستان سوالی ندارن؟

حتما شنیدید که میگن 90% کسایکه وارد فارکس میشن ، بازنده هستن. فکر میکنید چرا؟  
یا اینکه چرا 10% ثروتمندان-توجه کنید میگم ثروتمندان نه پولدارها- در بدترین شرایط اقتصادی ورشکسته نمی شن؟  
مدیرت سرمایه بلد نیستن یا شاید سیستم معاملاتی شون ریسک به ریوارد مناسبی نداره  
بسیار عالی آقای نظری

علت اصلی ش اینه که مدیریت ریسک و سرمایه دارندیک ثروتمند هیچوقت بیشتر از 10% سرمایه ش رو در بازارهای  
پر ریسک ، سرمایه گذاری نمیکنه شما اگر به وارن بافت 1000 دلار سرمایه بدید و بگید همین بازار رو تست کنه(بدون  
هیچ شناخت قبلی از بازار)، با 10% یا کمتر وارد میشه.

تا بتونه در دراز مدت پایدار و باقی بمونه

چون میدونه برای تجربه و موفقیت نیاز به سرمایه و آزمون و خطا داره.

و در طول یک دوره ی زمانی باید سرمایه ش رو حفظ کنه تا بتونه تصمیم بگیره می خواد به کارش تو این بازار ادامه بده  
یا نه

حالا فرض میکنیم شما از بازار جهانی خوشتون اومده و می خواید ببینید آیا می تونید در کنار بازار بورس این بازار رو هم  
یاد بگیرید و ازش کسب درآمد کنید؟

دانش اولیه برای شروع رو کسب کردید .حالا باید چکار کنید؟

برای باقی موندن در بازار پر ریسکی مثل فارکس نیاز به شناخت و تجربه داریم و شناخت و تجربه مسلتزم صرف زمان و  
سرمایه ست

اگر زمان ندارید که روزی حداقل 2 ساعت رو به این بازار اختصاص بدید ، راهی برای پیشرفتتون وجود نداره.

اگر فکر کنید که در این بازار بزرگ و پر ریسک، در عرض مدت کوتاه پولدار میشید ، محکوم به شکست خواهید شد و به  
جمع 90% خواهید پیوست .

همونطور که میبینید در بازار کوچکی مثل بورس خودمون یه شبه همیشه پولدار شد .

ببینید دوستان زمانی طول میکشه تا با بازار آشنا بشید و تجربه کسب کنید و هر چی این زمان گذاشتن بیشتر باشه، مسلما  
زودتر با مارکت آشنا خواهید شد .در شروع باید تمرین کنید تا بازار رو بشناسید .مثل هر بازار دیگه ای که شما می خواهید  
واردش بشید و سرمایه گذاری کنید، این بازار هم نیاز به آزمون و خطا داره.

خیلی میبینم که وارد بازار میشن، 1000 دلار سرمایه میزارن و انتظار دارند این پول با تجربه ی کمی که دارند و حرفی که  
گوش نمیکنن ، برایشون معجزه کنه

و وقتی بدون توجه به اصول مدیریت ریسک وارد بازار میشند و پولشونو از دست میدن، میگن بروکر کلاهبرداره و مارو  
برد تو ضرر اما اگر سود کنند خودشون بودند که سود کردند

بنابراین اگر می خوام جزو 10% کسانی باشیم که حداقل می خوام بازار رو تست کنیم و بعد تصمیم بگیریم که دوش  
داریم یا نه، بهتره مدیریت ریسک و سرمایه رو بلد بشیم و متعهد به عمل کردن به اونها بشیم

مدیریت سرمایه و روانشناسی معاملات در بازار مبادلات ارز

برای ورود به هر بازار و حرفه ای مهم ترین انگیزه و دلیل برای اغلب افراد کسب درآمد می باشد حال آنکه شرایط  
گوناگون شخصی، اجتماعی و بازده درآمد می تواند در انتخاب مسیر و نوع کار یا سرمایه گذاری تاثیر گذار باشد.

اگر بخوایم بی پرده با اغلب کسانی که می خواهند وارد بورس های با فراریت بالا مانند (مبادلات ارز، طلا، نقره، نفت و  
غیره) صحبت داشته باشیم باید اذعان کنم که شرایط ورودی و سرمایه گذاری در این بورس ها بسیار آسان می باشد و با

توجه به ریسک موجود نیز بازده سرمایه میتواند تا ده ها و صد ها برابر باشد اما از یاد نبریم که ماهیت فرار و بازیگران  
زیاد این بورس ها باعث به وجود آمدن ضوابط خاص شده است که این ضوابط از قوه تشخیص بسیاری افراد پنهان می

باشد. بیشتر از آن که در این بورس ها فرد در حال رقابت با بازیگران دیگر باشد در حال رقابت با خود و محک زدن

دانش، تجربه و شرایط روحی روانی خویش در بورس می باشد

برای موفقیت در بورس های این چنینی سه عامل مهم در موفقیت فرد نقش دارد.

الف: دانش و تجربه

ب: مدیریت سرمایه (Money Management)

ج: نگرش و روانشناسی

در صورتی که سرمایه گذار هر یک از عوامل فوق را نادیده بگیرد و یا در اجرای اصول کوتاهی نماید مستقیما باعث زیان

خود شده و قسمت قابل توجهی از سرمایه خود را از دست خواهد داد. تجربه نشان داده است افرادی که از دانش و تجربه کافی برخوردار نبوده و یا مدیریت ریسک و سرمایه را جدی نمی گیرند و افرادی که نگرش صحیحی به معاملات نداشته و بر خود تسلط کافی ندارند، سرمایه خود را در زمانی کوتاه از دست می دهند

توجه داشته باشید که این بخش، قسمتی کوچک از کل دوره می باشد ولی با این وجود رعایت، تسلط و بکارگیری تمامی پیشنهادها این قسمت به طور مستقیم با ماندگاری و سودآوری سرمایه گذاری نسبت مستقیم دارد. بنابراین توجه و تمرکز فراوان شما نسبت به این قسمت را برای موفقیت امری واجب و ضروری می دانم

شناسایی و استفاده از اصول احتمالات در معاملات پیش بینی ریاضی، فرآیند بسیار مهمی در ترید است. شما میتوانید این علم را به نفع خودتان بکار ببرید و یا اجازه دهید بازار از آن به نفع خویش استفاده کند.

همانطور که قبلا گفته شد برای موفقیت در بازار و کسب سود مداوم به سه عامل کلی نیاز داریم، نقش و اهمیت سه عامل بالا تا حدی می باشد که ایراد و نقصان در اجرای هر کدام از آنها منجر به از دست رفتن کل حساب خواهد شد. به عنوان مثال در صورتی که تریدر به دو عامل "دانش و تجربه" و "نگرش و روانشناسی" تسلط کافی داشته باشد ولی اصول مدیریت سرمایه را برای تعیین حجم معاملات در نظر نگیرد، پس از مدت کوتاهی سرمایه اش را از دست خواهد داد.

عامل دیگری که شانس کسب در آمد و افزایش حساب را برای معامله گران کمتر می کند میزان اسپرد و تفاوت نرخ خرید و فروش می باشد. اگر شما به صورت کاملا اتفاقی در بازی شیر یا خط شرکت کنید شانس پیروزی و باخت شما کاملا برابر و 50 درصد می باشد حال آنکه در بازار های مالی شما شانس برابر 50 درصد ندارید و بابت هر معامله مبلغی را به عنوان کارمزد (اسپرد) به کارگزار خود می پردازید.

در این صورت حتی اگر شانس موفقیت سیستم تحلیل و پیش بینی شما 50 درصد باشد باز هم در بلند مدت شما بازنده خواهید بود چرا که به مرور سرمایه شما تحلیل می رود. بنابراین باید سیستمی را پیدا کنید که شانس موفقیت تان را به بیش از 50 درصد برساند. مساله دیگر میزان سرمایه ای می باشد که بر اساس آن معامله می کنید

دوباره به مثال شیر یا خط برگردیم من 1 دلار و شما 10 دلار دارید با هر شیر من یک سنت برنده و با هر خط یک سنت می بازم در صورتی من کل پولم را از دست می دهم که شما 100 خط متوالی بیاورید و شما در صورتی می بازید که من 1000 خط متوالی بیاورم. در صورتی که بین ما کسی مانند بروکر کارمزد نگیرد!!! حال اگر هر شیر 25 سنت مرا برنده و هر خط 25 سنت مرا بازنده کند چه اتفاقی روی می دهد؟ بعد از چهار خط متوالی من سرمایه ام را از دست می دهم و بعد از 40 شیر متوالی شما سرمایه خود را از دست می دهید، شانس چهار احتمال متوالی بیشتر است یا 40 احتمال متوالی؟ کاملا معلوم است که احتمال از دست رفتن سرمایه من 10 برابر احتمال سرمایه شما می باشد. احتمالات این بازی در بازار مبادلات ارز کاملا عینیت دارد و در صورت استفاده از سرمایه کم یا لوریج بالا احتمال بازنده شدن و از دست رفتن سرمایه بسیار زیاد می باشد. برای این منظور غیر از تلاش برای افزایش شانس موفقیت در معاملات، با سرمایه زیاد یا لوریج کمی وارد بازار شوید تا احتمال بازنده شدن شما در مقابل بازار کاهش یابد.

آشنایی با دراو داون Drawdown – و اندازه گیری بازگشت از ضرر یکی از مهمترین مسائلی که از چشم دور میمونه همین مساله ی بازگشت از ضرره

### Drawdown

نشان دهنده حداکثر افت سرمایه از مقدار ماکزیمم می باشد و عموما به صورت درصد بیان می گردد. به عنوان مثال اگر یک معامله گر حساب 20000 دلاری داشته باشد و با ضرری معادل 5000 دلار، حساب خود را به 15000 دلار برساند 25 درصد drawdown تجربه کرده است. نکته جالب توجه در مورد drawdown این است که اگر یک معامله گر درصدی ضرر کند، برای بازگشت به رقم اولیه باید درصدی بیش از آن مقدار را سود کند!

اجازه بدهید مثالی بیاورم: معامله گری 20000 دلار سرمایه دارد. 50 درصد سرمایه خود را ضرر می کند و سرمایه او به 10000 دلار می رسد. حال اگر وی بخواهد به رقم 20000 دلار اولیه برگردد، باید سرمایه فعلی خود را دو برابر کند.

یعنی برای جبران 50 درصد ضرر، باید 100 درصد سود کند که این کار بسیار دشواری است

به همین ترتیب اگر معامله گر 10 درصد drawdown داشته باشد، برای جبران آن باید 11.11 درصد سود کند...

به توجه به مطالب فوق، معامله گر باید توجه داشته باشد که "حفظ سرمایه و ضرر نکردن در اولویت قرار دارد"

شناسایی اصول استفاده از نسبت سود به ضرر (ریسک به ریوارد)

یکی از مهمترین اصول مدیریت ریسک و مدیریت سرمایه رعایت نسبت زیان به سود (Risk/Reward) یا R/R می باشد. قبل از انجام هر معامله شما باید بدانید سود احتمالی که از آن معامله توقع دارید چقدر است و برای به دست آوردن این مقدار سود حاضرید چه میزان از سرمایه خود را به خطر بیندازید. آیا منطقی است که برای به دست آوردن یک سود 1000 دلاری، 5000 دلار ریسک را بپذیریم؟ قطعاً پاسخ منفی است. اصول مدیریت ریسک بیان می کند که در هر معامله، میزان ریسک حداکثر باید نصف سود مورد انتظار باشد. یعنی اگر برای یک معامله فرضاً 30 پوینت استاپ لاس در نظر گرفته



اید، حد اقل 60 پوینت یا بیشتر را باید به عنوان تارگت در نظر بگیرید. اگر فرصت معاملاتی پیش بیاید که نتوانیم این نسبت را برای آن به کار گیریم، توصیه اکید این است که کلا از آن معامله صرف نظر کنیم.

شناسایی اصول محاسبه حداکثر میزان ضرر بر اساس سرمایه

معمولا معامله گران مبتدی به دو صورت موجودی حسابشان را از بین می برند یا با نگذاشتن حد ضرر (3استاپ لاس) و یا با معاملات زیان آور پشت سر هم.

در حالت اول برای افراد مبتدی حد ضرر مانند محافظی محکم جلوی از بین رفتن حساب را می گیرد اما آنها عموما با نگذاشتن حد ضرر اجازه می دهند ضررشان انباشته شود. شاید چندین معامله برایشان پیش بیاید که با نگذاشتن حد ضرر، معامله پس از مدتی وارد سود شود اما حتما پس از مدتی به دامی گرفتار می شوند که بازار بر خلاف جهت آنان حرکت می کند و موجب از بین رفتن کل سرمایه در یک معامله می شود.

حالت دوم در صورتی پیش می آید که معامله گر مدیریتی بر ضررهای خویش ندارد و اجازه می دهد ضررهای متوالی و بعضا بزرگ موجودی حسابش را از بین ببرند. برای پیش گیری از این حالت توصیه می شود در هیچ معامله واحدی، مقدار حد ضرر (استاپ لاس) بیش از 3 درصد کل موجودی سرمایه نگردد و در هیچ زمانی مجموع مقدار حد ضرر (استاپ لاس) معاملاتی که همزمان باز هستند بیش از 6 درصد موجودی حساب نباشد. به عنوان مثال برای حسابی 1000 دلاری حداکثر ریسک یک معامله در صورت رسیدن بازار به حد ضرر باید 30 دلار باشد و پیرو این قضیه تنظیم لات (حجم) معامله انجام شود و هیچ زمانی ریسک مجموع معاملات همین حساب نباید بیش از 60 دلار بشود. توصیه می شود معامله گران برای هر بازه زمانی خود حد ضرری خاص داشته باشند. به عنوان نمونه در صورت 6درصد زیان در روز یا 10 درصد زیان سرمایه در هفته از معاملات دست کشیده و علت زیان های خود را بر اساس روش معاملاتی خود و مدیریت سرمایه مورد بازبینی قرار دهند و پس از بررسی و رفع اشکالاتی که باعث به وجود آمدن معاملات زیان ده شده است فعالیت خود را از سر گیرند.

دوستان سوال ندارید؟

خب دوستان می خوام به جمع بندی کنم تا ببینیم که برای ورود چی باید کنیم

جمع بندی : مراحل اصولی انجام یک معامله

آن چه درباره مدیریت سرمایه و روانشناسی ترید (معاملات) تا به اینجا گفته شد قسمتی از اعمال و محاسباتی می باشد که باید مد نظر قرار دهیم. برای عملی کردن اطلاعات بالا در قسمت انتهایی این بخش، نمونه عملی و قدم های لازم برای مدیریت سرمایه را یادآوری می کنیم. فراموش نشود که این قدم ها باید مو به مو اجرا شود و تخطی از قسمتی از آن مساویست با از دست دادن سرمایه. برای مدیریت سرمایه این قسمت را یا کامل مطابق دستورات اجرا کنید و یا به روش خود بازگردید

1. تحلیل بازار : بر مبنای سیستم خود بازار را تحلیل کنید جهت آنرا تشخیص دهید و آماده معامله بشوید. اگر سیستم شما سیگنالی نمی دهد از وارد شدن به بازار بپرهیزید.

خب در مورد تحلیل تکنیکال که اولین قدم برای تصمیمگیری ورود شماست ، از اول من فرض رو بر این گرفتم که تمام دوستان تحلیل تکنیکال رو بلد هستن و خوشبختانه آقای کلهری عزیز به این بحث خواهند پرداخت. اما تفاوتی در تکنیکال بازار جهانی با بورس خودمون وجود داره. اولین نکته اینه که ما در بازار جهانی با تمام تایم فریم ها کار خواهیم کرد. برعکس بورس ایران که تنها تایم فریم روزانه بکار میاد در فرصت مناسب سعی میکنم تفاوتها رو بگم

2. تشخیص نقطه خروج : حد ضرر و سود خود را قبل از آغاز معامله تایین کنید. تایین حد ضرر و سودتان باید بر اساس تحلیل و سیستم معاملاتی شما باشد نه عوامل دیگر. اگر سیستم و روش شما حد سود و زیانتان را مشخص نکرده از وارد شدن به بازار بپرهیزید

3-ریسک به ریوارد : بعد از آنکه سیستم معاملاتی شما نقاط خروج را برای شما مشخص نمود، ببینید که آیا ریسک به ریوارد شما منطقی است یا خیر. اگر نسبت زیان به سود در قالبی که گفته شد نمی گنجد، بهتر است از انجام معامله پرهیز کنید.

5-ارزش هر پوینت زیان- سه درصد پول(دلار) حسابتان را بر میزان پوینت هایی که برای حد ضررتان در نظر گرفته اید تقسیم کنید به این صورت مشخص می شود هر پوینت ضرر شما چه میزان ضرر به شما تحمیل می کند.

اگر این محاسبات را بی ارزش می دانید تا زمانی که آنها را محاسبه نکرده اید از ورود به بازار بپرهیزید.  
5-محاسبه سه درصد زیان : محاسبه کنید سه درصد زیان از کل حسابتان چه مقدار می شود. اگر می خواهید بیش از سه درصد پول خود را روی یک معامله ریسک کنید از ورود به بازار بپرهیزید

6-محاسبه مارجین برای هر پوینت – حال که فهمیدید اگر بازار در خلاف پیش بینی شما برود هر پوینت آن چه میزان

ضرر برای شما به همراه دارد ارزش هر پوینت زیان را در 100 ضرب کنید. (یا میزان مارجین برای یک پوینت استاندارد آن جفت ارز را محاسبه کنید و سپس با نسبت بندی مارجین و لوریج ارزش هر پوینت ورودی را به دست آورید) مارجین درگیر پوزیشن شما باید به این میزان باشد.

اگر تمایل به استفاده مارجین بیشتر از محاسبات دارید به خاطر متضرر نشدن از ورود به بازار بپرهیزید  
7- مارجین کراس ریت ها - برای ارزهایی که طرف دوم آنها دلار است به محاسبات این قسمت نیازی نیست اما اگر ارز طرف دوم دلار نیست باید مارجین بدست آمده قسمت قبل را در نرخ برابری لحظه ای آن ارز نسبت به دلار ضرب کنید تا مارجین آن معامله بدست بیاید.

اگر 7 قانون مدیریت سرمایه بالا را رعایت کرده اید دیگر دلیلی برای تعلل وجود ندارد از معامله خود لذت ببرید. وارد بازار شوید و نگرانی از بابت مدیریت سرمایه نداشته باشید در بدترین حالت شما سه درصد زیان می کنید که در آینده قابل جبران است  
عالی و کامل  
دوستان سوال ندارند؟  
بسیار عالی

دوستان عزیز خواهش میکنم در آخر هفته سعی کنید یک پلتفرم بگیرید و در حساب دموتون چند تا معامله کنید تا در هفته ی دیگه بتونیم بهتر پیش بریم

زمانیکه بخوایم وارد ست کردن سیستم معاملاتی بشیم ، باید تونسته باشید معامله کنید  
دوستان کسی هست که با نرم افزار آشنایی نداشته باشه و تا حالا معامله نکرده باشه در بورس ایران؟  
اگر دوستانی آنلاین نیستند که جواب بدن بعدا حتما بگند لطفا  
چند تا از اشتباهات رایج رو میگم و بحث رو می بندم  
آشنایی با اشتباهات رایج معاملهگران مبتدی

1- کمبود دانش: یکی از اصلی ترین دلایل معاملات زیان آور، کمبود یا نداشتن دانش و آگاهی لازم نسبت به شرایط و واقعیات بازار می باشد. معامله در بازار مبادلات ارز نیز مانند هر حرفه دیگر، نیازمند دانش و تجربه کافی است  
2- معاملات احساسی: این مورد آسیب رسان ترین دلیل برای از بین رفتن حساب می باشد. معاملاتی که برگرفته از برنامه و روش معاملاتی نیست با احساس تریدر سرو کار دارد و به علت اینکه برای این معاملات از تفکر و تعقل استفاده نشده عموماً زیان آور هستند. احساسات گوناگونی می تواند در معاملات دخیل باشد اما یک نکته در تمام احساسات معامله گران یکسان است، تمامی معاملات احساسی منجر به ضرر میگردند. احساس غالب، در اکثر موارد طمع برای کسب سود بیشتر است. در حالی که جلوگیری از ضرر نکته مهم تری است. احساسات خود را بشناسید و در زمان ترید کردن تا حد امکان آنها را کنترل کنید.

3- معاملات زیاد: معاملات زیاد (over trading) معمولاً به این دلیل انجام می شود که معامله گر تمایل دارد تمام حرکت های بازار را بدون کم و کاست شکار کند. این امر تقریباً محال است و بزرگترین تحلیل گران و معامله گران دنیا نیز این کار را انجام نمی دهند.

4- معامله با حجم زیاد: حجم زیاد معاملات، ریسک سرمایه گذار و آسیب پذیری سرمایه را افزایش می دهد. هنگامی که یک معامله گر با حجم بالا معامله می کند، با تعداد کمی معامله ضررده می تواند کل حساب خود را از دست بدهد.  
5- اعتماد به پیش بینی دیگران: از معاملات دیگران برداشت و الگوبرداری نکنید، شرایط حساب، دیدگاه و دلایل افراد با یکدیگر برای حضور در بازار متفاوت است. هر کسی حتی در صورت استفاده از پیش بینی دیگران مسئول حساب خویش است ، مگر آنکه کل مدیریت حساب خویش را به تریدری دیگر بدهد. تا حد امکان از تحلیل خود پیروی کنید.

6- نداشتن حد ضرر (استاپ لاس): نداشتن استاپ لاس به معنی این است که معامله گر حدی برای اشتباه خویش متصور نیست، هر انسانی امکان اشتباه دارد و حد ضرر امکانی برای جلوگیری از فاجعه بار بودن اشتباهات می باشد. قبل از آغاز معامله حد ضرر خود را بشناسید. در زمان معامله اغلب معامله گران تحت تاثیر ترید خود قرار می گیرند و از لحاظ روانی برایشان سخت است که حد ضررشان را بپذیرند. در زمان معامله تغییر حد ضرر عموماً منجر به زیان های بیشتر می شود. هیچ زمانی حد ضرر خود را خلاف جهت معامله خود تغییر ندهید. یعنی مقدار حد ضرر خود را بیشتر نکنید

7- معامله در ساعات نامناسب: آشنایی نداشتن با میزان نوسان بازار در ساعات متفاوت هر جفت ارزی می تواند باعث تخمین های اشتباه معامله گران شود. ارزهای اروپایی در مقابل دلار، در ساعات بازار توکیو نوسانات زیادی ندارند و نباید برای معاملات در این ساعات سودهای زیادی متصور بود و یا در ساعات اولیه بازار لندن و نیویورک نباید نوسانات کوتاه و کوچک ما را از نوسانات بزرگی که بازار در پیش دارد غافل کند

8- معامله یک ارز نه یک جفت ارز: ما در اصل ارزش برابری دو ارز را معامله می کنیم. با تحلیل صرف عوامل



تکنیکال یا فاندامنتال یک کشور نمیتوان نتیجه گرفت که یک جفت ارز در چه جهتی حرکت خواهد کرد. شاید فاندامنتال و تکنیکال ارز مقابل، شرایط متفاوتی را برای برابری آن جفت ارز رغم زده باشد که نباید از دید معامله گر پنهان بماند

9-نداشتن سیستم معاملاتی: نداشتن برنامه، روش یا سیستم معاملاتی از اصلی ترین دلایل زیان می باشد. نداشتن برنامه و روش عموماً باعث معاملات احساسی می شود در حالی که روش معاملاتی به تریدر دیدگاهی برای تفسیر تمامی قیمت های بازار می دهد. شاید برنامه و روش مکانیزه و کامپیتری نباشد اما حتماً باید وجود داشته باشد. برنامه باید قابلیت تفسیر بازار، بازدهی در گذشته و همخوانی با شرایط تریدر را داشته باشد. نقصان در هر کدام از این شرایط، باعث معیوب بودن برنامه و پیرو آن از دست رفتن بخش قابل توجهی از سرمایه می شود.

9-نداشتن سیستم معاملاتی: نداشتن برنامه، روش یا سیستم معاملاتی از اصل

3:22:40 PM

ی ترین دلایل زیان می باشد. نداشتن برنامه و روش عموماً باعث معاملات احساسی می شود در حالی که روش معاملاتی به تریدر دیدگاهی برای تفسیر تمامی قیمت های بازار می دهد. شاید برنامه و روش مکانیزه و کامپیتری نباشد اما حتماً باید وجود داشته باشد. برنامه باید قابلیت تفسیر بازار، بازدهی در گذشته و همخوانی با شرایط تریدر را داشته باشد. نقصان در هر کدام از این شرایط، باعث معیوب بودن برنامه و پیرو آن از دست رفتن بخش قابل توجهی از سرمایه می شود.

10-معامله خلاف روند: عموماً بیشتر برنامه ها و روش های معاملاتی برای استفاده از جهت حرکت بازار استفاده می شوند. هم جهتی معاملات با روند اصلی، امکان سود بیشتر و ریسک کمتر را به همراه دارد. تا زمانی که برنامه و روش امتحان شده شما معاملات خلاف جهت را تایید نکرده است از معامله در خلاف روند اصلی بازار بپرهیزید.

11-خروج های بی برنامه (خروج از معاملات به خاطر ترس): معامله گر مبتدی عموماً با سود و یا ضرر های کم، از ترس زیان های بیشتر از معامله خود خارج می شود و برنامه ای غیر از سیستم معاملاتی خود را در پیش می گیرد. در اغلب موارد پتانسیل سود خود را با سود کم یا زیان از دست می دهد و پس از حرکت بازار خود را نکوهش می کند که این امر می تواند عواقب منفی دیگری برای حساب داشته باشد.

12-معاملات با اهداف کوچک: کسانی که برای اهداف کوچک وارد می شوند حد ضرر و سود کوچکی در نظر می گیرند (اسکالپر ها) در اغلب موارد، حد ضررشان بیشتر از حد سودشان است و به این نکته توجه نمی کنند که بازار در کوتاه مدت، تحت تاثیر معاملات لحظه ای می تواند جهاتی خارج از جهت اصلی خود ایجاد کند و همین تغییر جهت کوچک می تواند موجب زیان آنها شود. معاملات با اهداف کوچک ریسک حد سود را نسبت به اسپرد افزایش می دهد. اگر یک معامله گر برای معامله ای 10 پیپ حد سود و حد ضرر را در نظر بگیرد با احتساب اسپرد، تنها با 7 پیپ حرکت بازار در خلاف جهت، ضرر می کند در حالی که برای رسیدن قیمت به حد سود، باید بازار 13 پیپ به نفع شما حرکت کند. به نظر شما کدام قیمت نزدیکتر است و به احتمال زیاد دیده خواهد شد؟

13-معامله در قله ها و دره ها: افرادی که برای استفاده از تمامی یک روند تلاش می کنند زیان های بسیاری را متحمل می شوند. افراد کمال طلب تنها به دنبال قله ها و دره ها هستند در حالی که قله ها و دره ها در بازارهای دو جهته نسبی بوده و هر زمانی امکان اینکه بازار دره ها و قله های جدیدی بسازد وجود دارد. این مساله را برای خود حل کنید که نمیتوان از تمام حرکات بازار استفاده کرد. شما اگر با رعایت اصول، قسمتی از حرکت مفید بازار را هم شکار کنید، در دراز مدت سود خوبی به دست می آورید.

در نظر داشته باشید که یادگیری زمانی اتفاق میفته که ما اشتباه میکنیم.

در زمان سود همه چیز به خوبی پیش میره و شما نه تنها چیزی یاد نمیگیرید بلکه اصلاً به اونچه باعث سودتون شده توجه هم ندارید.

اما در زمانیکه تو ضرر هستیم تمام سعی خودمون رو میکنیم تا عامل ضرر رو پیدا کنیم و از بینش ببریم یا از معامله بیرون بیایم یا در آینده تکرار نکنیم

امکانش هست شماره هفت رو بیشتر توضیح بفرمایید. زمان های عنوان شده رو به وقت ایران میفرمایید چه ساعتی است؟؟

اونچه من به شما میگم و تمام دوستان دیگه هم در گذشته میگفتم اینه که سود کردن شما ملاک برای تجربه تون نیست اینکه چطور با ضرر تعامل کردید نشوندهنده ی تجربه و ماندگاری شماست

خانم شهبازی منظور اینه که در ساعتی از شبانه روز حجم معامله کمه یا اینکه مثلاً ما بین معامله میکنیم زمانیکه بازار

ژاپن

س